

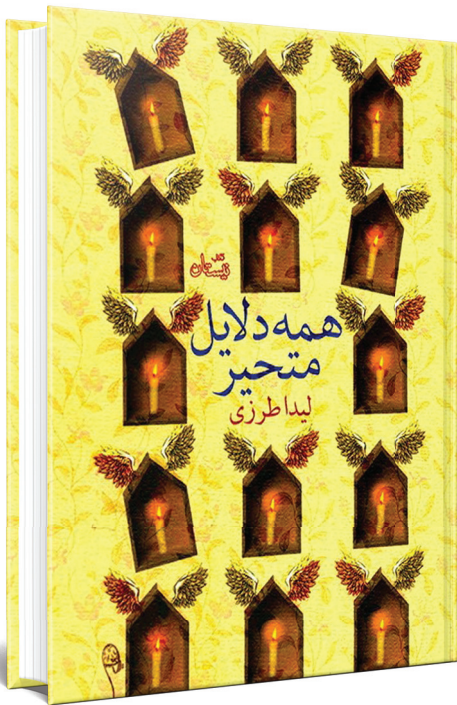
# باز آفرینی روایت‌های کهن، با نگاهی جدید

■ مجید محبوبی

درنگی بر کتاب «همه دلایل متحیر»

نویسنده: لیدا طرزی

ناشر: کتاب نیستان



و سیره چهارده معصوم علیهم‌السلام و ترجمه‌ای ادبی از گفتارهای حکمت‌آمیز آنهاست که نویسنده از آنان به عنوان دلایل (راه‌نمایان) متحیر نام برده است؛ راه‌نمایی که در گفتار و کردارشان نشانه‌هایی از اعجاز هست و مردم را به شگفتی و تحیر وامی‌دارند.

به نظر این کمترین، به طور ذاتی، زیبایی و لطافت خاصی در متون کهن فارسی وجود دارد و اگر نویسنده‌ای بتواند این زیبایی و لطافت را به ساده‌نویسی و زبان امروزی بیاراید، می‌تواند خدمت بزرگی به خواننده مشتاق امروزی بکند که تشنه درک مطالب نهفته در لفافه‌های غامض الفاظ و تعبیر دشوار فهم کتب قدیمی است.

لحن این کتاب، از چنین موهبتی برخوردار است: «شاعرانه و زیبا» و نویسنده سعی کرده یک نواختی این لحن را از شروع تا آخرین صفحه کتاب حفظ کند. استفاده از کلمات و تعبیر و آرایه‌های ادبی و گاه تصویرسازی‌های بدیع داستانی نیز بر جذابیت کتاب افزوده است.

کتاب «همه دلایل متحیر»، شامل چهارده داستان‌واره کوتاه‌ای است که درباره حضرات معصومین علیهم‌السلام به نگارش درآمده است. این مجموعه را سرکار خانم «لیدا طرزی» به رشته تحریر درآورده و از سوی نشر کتاب نیستان در ۶۴ صفحه، در قطع رقعی، روانه بازار کتاب شده است.

بازنویسی یا ساده‌نویسی و یا هر نوع اقتباس ادبی دیگری از متون کهن اسلامی-ایرانی، سال‌هاست که دست‌مایه نویسندگان قرار گرفته و بخش قابل توجهی از ویتترین کتاب‌فروشی‌ها را به خود اختصاص داده است. در این میان، کتاب‌های خوبی نوشته شده که مورد توجه اهل فن نیز قرار گرفته و حتی برخی از آنها توانسته‌اند جوایز برتر و معتبری کسب کنند و جزء کتاب‌های پرمخاطب دهه‌های اخیر بعد از انقلاب شوند.

کتاب «همه دلایل متحیر» نیز از همان کتاب‌هایی است که حکایت‌ها و روایت‌های کهن اسلامی را با نگاه جدید و بدیعی بازآفرینی کرده است. البته محور این حکایات، زندگی

صراحت، مشتریان این میخانه را سیاه‌مست و میخوار و عربده‌کش نیز معرفی می‌کند:

«مشتی زیاد داشت، از سیاه‌مستان ساکت بگیر که دیگر حتی هذیان هم نمی‌گویند تا میخواران مأخوذ به حیا تا تنگ‌ظرفیت‌هایی که جرعه ننوشیده، عربده می‌کشند؛ ولی ساقی از وفا بیرونشان نمی‌کند.» (ص ۱۶).

پرواضح است که استفاده از آرایه ادبی مشهوری مثل استعاره، مراعات قوانین و قواعد خودش را می‌طلبد که عدم رعایت آن قواعد، خطایی محرز و غیرقابل اغماض است. نکته دیگری که باید در خصوص «همه دلایل متحیر» یادآور شد، سبک ادبی این کتاب است که مسبوق به سابقه است و نویسندگانی مثل سیدمهدی شجاعی و خانم عرفان نظراً هاری پیش از دیگران، از پیش‌گامان چنین سبکی بوده‌اند. به ویژه کتاب «جوانمرد نام دیگر تو» اثر مشهور عرفان نظراً هاری، تقریباً به همین سبک و سیاق نگاشته شده است.

در کنار این زیبایی‌ها، کلیت داستان‌واره‌ها، خواننده را با تأملات زیادی روبه‌رو می‌کنند که لازمه درک خوب و عمیق معارفی است که نویسنده به دنبال القای آنها به مخاطب است؛ معارفی مثل امام‌شناسی، ولایت و حُب ولی و ... . با این حال، نویسنده گاهی در استخدام و استفاده از بعضی کلمات، دچار خطا شده است. برای نمونه در دلیل دوم که نویسنده بدون هیچ پیش‌زمینه و قرینه و شاهد خاصی از کلمه «میخانه» به عنوان استعاره، آن هم از نوع مصرّحه‌اش استفاده کرده که معنای متبادر از آن، معنای اصلی کلمه میخانه است. اگرچه نویسنده در سطور آغازین این داستان‌واره به نوعی، تردید خودش را از استفاده از این کلمه بیان می‌کند: «میخانه، بهشت نبود، عرش و کرسی هم نبود، نمی‌دانم کجا بود؛ ولی میخانه بود دیگر» (ص ۱۵)، ولی این هم به مشکل استخدام این کلمه بر آن مفهوم و معنای بلندی که مقصود اوست، کمکی نمی‌کند؛ مخصوصاً آن‌جا که به